

## Analytical study of the reasons for the expansion of women's moqfat in the era of Shah Soleyman Safavid

Sayyed Mostafa tabatabaey\*

Ali akbar abasi\*\*

### Abstract

The Safavid government as a religious Shia government that was able to introduce Twelver Shia religion as the official religion of the government in Iran; It has always been of interest to researchers of the history of Religions and denominations. Paying attention to religion with all its dimensions is one of the important features of this government in all its eras. The more the king could keep this balance with the effects of governance, the more powerful his government was, and the more this balance was disturbed, the foundation of the government was shaken. The reign of Shah Soleyman Safavid is considered the beginning of the process of the downfall of the Safavid government; But from a religious point of view, in this era, we see the growth of women's moqfat, as one of the cultural activists of the society. According to the documents of Safavid moqfat, more than 30% of women's moqfat of the Safavid era are related to this period. The main question of this research is that what was the reason for the increase in women's moqfat during the reign of Shah Soleyman Safavid? The greater influence of harem women in political and social activities, as well as the fear of losing property, are among the important factors that have been obtained in the answer to this question by analyzing the content of women's waqf-nameh of this era.

**Key words:** Waqf, Safavid, Shah Soleyman, women, Waqf-nameh.

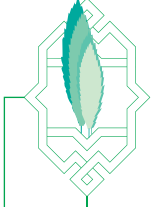
---

\*. PhD student of Islamic history of Isfahan Universitymd.ir

Smtabatabaey1985@gmail.com

\*\* Member of the Faculty of Iranian Studies and History of Isfahan University

Aa\_abasi\_z@yahoo.com



## بحث تحليلي لأسباب توسع أوقاف النساء في عهد الشاه سليمان الصفوي

سيد مصطفى طباطبائي\*

على اكبر عباسي\*\*

### الخلاصة

تعتبر الحكومة الصفوية حكومة شيعية دينية تمكنت من إدخال المذهب الشيعي الإثني عشري كدين رسمي للحكومة في إيران حيث كانت دائماً محل اهتمام الباحثين في تاريخ الأديان و المذاهب

يعتبر الاهتمام بالمذهب بكل أبعاده من السمات المهمة لهذه الحكومة في جميع عصورها؛ كلما استطاع الملك أن يضع هذا المعيار تماشياً مع تأثيرات الحكم لكي

تكون حكومته أقوى، وكلما اختل هذا التوازن، كلما اهتزت أسس الحكومة يعتبر عهد الشاه سليمان الصفوي بداية عملية سقوط الحكومة الصفوية و لكن من الناحية الدينية، خلال هذه الفترة، نرى نمو الأوقاف النسائية، باعتبارها واحدة من الناشطين الثقافيين في المجتمع . و بحسب وثائق الأوقاف الصفوية فإن أكثر من ٣٠٪ من أوقاف النساء الصفويات تعود لهذه الفترة

السؤال الرئيسي لهذا البحث هو ما سبب زيادة أوقاف النساء في عهد الشاه سليمان الصفوي؟ إن التأثير الأكبر حرم السلطان في الأنشطة السياسية و الاجتماعية و كذلك الخوف من فقدان الممتلكات من العوامل المهمة التي تم الحصول عليها في الإجابة على هذا السؤال من خلال تحليل محتوى أوقاف النساء في عهد الشاه سليمان الصفوي

**كلمات مفتاحية:** الوقف، الصفوي، الشاه سليمان، النساء، رسالة الوقف

\*. طالب دكتوراه في التاريخ الإسلامي بجامعة أصفهان

Smtabatabaey1985@gmail.com

\*\* عضو كلية الدراسات والتاريخ الإيراني بجامعة أصفهان

Aa\_abasi\_z@yahoo.com

## بررسی تحلیلی علل گسترش موقوفات زنان در عصر شاه سلیمان صفوی

مقاله پژوهشی



۷۳

سید مصطفی طباطبایی\*

علی اکبر عباسی\*\*

### چکیده

حکومت صفوی به عنوان حکومت شیعی مذهب که توانست مذهب شیعه اثنی-عشری را به عنوان مذهب رسمی حکومت در ایران مطرح نماید همواره مورد توجه پژوهشگران تاریخ ادیان و مذاهب مورد توجه بوده است

توجه به مذهب با همه ابعاد آن یکی از شاخصه‌های مهم این حکومت در تمامی دوران آن به‌شمار می‌رود؛ هرچه پادشاه توانست این توازن را با جلوه‌های حکمرانی متعادل نگه دارد، حکومت او مقتدر تر بود و هرچه این تعادل به هم خورد اساس حکومت متزلزل گردید

دوران حکومت شاه سلیمان صفوی، آغازی بر فرایند سقوط حکومت صفویان به‌شمار می‌رود ولی از دیدگاه مذهبی در این دوران شاهد رشد موقوفات زنان، به عنوان یکی از کنشگران فرهنگی جامعه هستیم. به گونه‌ای که با توجه به اسناد موقوفات صفویه، بیش از ۳۰ درصد موقوفات زنان عهد صفوی مربوط به همین دوره می‌باشد

سؤال اصلی این پژوهش آن است که علت ازدیاد موقوفات زنان در دوره پادشاهی شاه سلیمان صفوی چه بوده‌است؟ تأثیرگذاری بیشتر زنان حرمسرا در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین ترس از دست دادن اموال از جمله عوامل مهمی است که در پاسخ به این سؤال با روش تحلیل محتوای وقف‌نامه زنان این دوران به‌دست آمده است

**کلید واژه:** وقف، صفویه، شاه سلیمان، زنان، وقف‌نامه

\*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

Smtabatabaey1985@gmail.com

\*. عضو هیئت علمی گروه ایران‌شناسی و تاریخ دانشگاه اصفهان

Aa\_abasi\_z@yahoo.com



## مقدمه

در میان دوره‌های مختلف تاریخ، دوره حکومت صفویان بسیار حائز اهمیت است. این سلسله که از حدود ۹۰۵-۱۱۳۶ ه.ق به طور مستمر و پس از تسلط افغان‌ها بر ایران تا سال ۱۱۴۸ ه.ق به طور اسمی بر این کشور حکومت راندند، توانستند به طور رسمی یک حکومت شیعی در ایران ایجاد نمایند و به تدریج دولت ملی را وحدت و استقلال بخشند. در طی حکومت این خاندان، به دلایل چندی از جمله سیاست مذهبی پادشاهان این سلسله و ایجاد حکومتی دین‌مدار، سنت وقف گسترش بسیاری یافت. این گسترش به حدی بود که توانست بر جنبه‌های مختلف جامعه تأثیراتی عمیق بگذارد به نحوی که می‌توان گفت ساختار نهاد وقف در دوره صفوی یکی از مهمترین دوره‌های شکوفایی سنت وقف در تاریخ ایران، عصر صفویه است. به طوری که بسیاری از اقشار اجتماع از پادشاهان گرفته تا افراد عادی به این امر خیرخواهانه اقدام می‌نمودند. گرچه نهاد وقف ریشه در سده‌های پیشین داشت و با کارکردهای ویژه خویش، پیش از صفویه شکل گرفته بود و حتی برخوردار از صفویان از اقتدار مالی و سیاسی پیش از رسیدن به قدرت به واسطه موقوفات بی‌شمار خانقاه اردبیل بود؛ لیکن همین موقوفات نقش چشمگیری در کسب نفوذ سیاسی و مذهبی رهبران خانقاه اردبیل داشته است و پس از گرفتن قدرت نیز پادشاهان صفوی موقوفاتی بر این خاندان افزودند و خود از واقفان عمده شدند. باید گفت که ساختار اوقاف در زمان صفویه رنگ شیعی به خود گرفت و این نهاد مطابق و هماهنگ با سیاست‌های خاص مذهبی و عقیدتی آن‌ها اداره می‌شد در نتیجه ساختار و کارکرد نهاد تا اندازه‌ای زیاد با ادوار پیش از آن تفاوت داشت (صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۰۵-۳۱۸) به تعبیری دیگر، به قدرت رسیدن صفویان، برتری طبقه جدید شیعی را در برابر طبقه سنی در پی داشت و به تدریج به نقش‌های اجتماعی زنان این عصر اثر گذاشت. این تأثیرات گاه باعث بزرگ شدن فعالیت‌های مذهبی زنان می‌شد. زنان در خانوار شهری، به عنوان عضو مهم انجام وظیفه می‌کردند هرچند مجبور بودند وظایفشان را در محدوده چهاردیواری خانه و اندرونی انجام دهند و اجازه ارتباط و تماس با بیرون از خانه را نداشتند؛ به جز در موارد استثنایی که اجازه داشتند از خانه خارج شوند (حیدریان، ۱۳۸۸: ۵۴). با این حال، نقش زنان در امور خیریه و فعالیت‌های اجتماعی در این دوره مشخص بوده است و با وجود محدودیت‌ها، رنج‌ها و مشکلات اجتماعی که در پیش رویشان بود، در

امور خیریه و عام‌المنفعه شرکت فعالی داشتند. به گفته فیگوئروا، سفیر اسپانیایی دربار شاه عباس اول، زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای نیک بیشتر از مردان جای گرفتند. بسیاری از کاروان‌سراها و بناهای عمومی از خیریه زنان که معمولاً فقیرتر از مردان بودند، ساخته شد. این موارد را می‌توان در اسناد وقف زنان طبقات بالای اجتماعی مشاهده کرد (Heidari, 2022). زنان ثروتمند به انجام امور خیریه و ایجاد بناهای عام‌المنفعه اقدام می‌کردند و از خود مدرسه، مسجد، پل، کاروان‌سرا و... به جای گذاشته‌اند که با اختصاص وقفیات به آن‌ها باعث تداوم کار و رونق این اماکن پس از مرگ خود می‌شده‌اند. این اقدامات به‌خصوص در اصفهان، قم، قزوین، اردبیل، ورامین و... حتی خارج از ایران در اماکن مقدسه صورت گرفته است. به‌طورکلی این عصر دوره رونق موقوفات در اشکال گوناگون است و منابع سرشار از این موقوفات در اقتصاد این دوره تأثیر بسزایی داشته و موقوفات مختلف در شهرهای ذکرشده علاوه بر اینکه در رونق ساختار آموزشی علمی و دینی تأثیرگذار بود. درآمد حاصل از آن بیشترین تأثیر را در بخش اقتصادی داخلی ایفا می‌کرده است: «در مسجد جامع قدیم اصفهان، کتاب‌های حکیم پسند و حواشی خارج ایوان را نواب عالیه مهد علیا سلطان آغا، دختر نیک‌اختر شاه‌تھماسب بزرگ زینت داده و از کتاب‌هایش معلوم است» (آصف، ۱۳۷۵: ۱۶۹). زنان این طبقه نقش مهمی در سوق دادن املاک و دارایی‌های خود به سوی فعالیت‌های خیریه شهری، از طریق اوقاف بر عهده داشتند (زرین بافت شهر، ۱۳۸۴: ۹۲)، بدین معنی که تلاش عمده زنان در طبقه بالای جامعه، مشارکت در امور اجتماعی از طریق موقوفات بود که در قالب عمران و آبادانی قابل بررسی است

از توجه این زنان به امور خیریه و آبادانی، اکثراً در دربار برای ساختن ابنیه عمومی و عام‌المنفعه سود می‌جستند. مطابق تحلیل‌ها و مطالعات، این موقوفات برخی در جهت تداوم آموزش و فرهنگ و کمک به تقویت علم و دانش صورت می‌گرفت، به طوری که تعداد بسیاری از نهادهای آموزشی عصر صفوی به همت زنان مرفه این عصر دایر شده بود (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۶۵)

به لحاظ فراوانی موقوفات زنان در دوران صفویه، دوران حکومتی شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۶ ه.ق) سرآمد است. در این دوره شش وقف‌نامه از زنان درباری موجود است که در اسناد تاریخی بیان شده است. اینکه چرا در دوران شاه سلیمان صفوی، با آنکه از دوران اقتدار صفویان به‌شمار نمی‌رود، موقوفات زنان رو به فزونی دارد سؤال اصلی این پژوهش



است. مصارف این موقوفات چه بوده و تولیت آنها در اختیار چه کسی بوده است نیز از سؤالاتی است که در راستای پاسخ و تحلیل سؤال اول ناگزیر به پاسخ‌گویی آن خواهیم بود

## ۱. پیشینه پژوهش

طباطبایی و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل محتوای کیفی اغراض زنان واقف در ایران: مورد مطالعه شهر اصفهان در دوره صفوی» در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها تم‌های «شرعی سازی سیاست»، «ماندگاری در اموال»، «آینده نگری از تجزیه اموال»، «ساماندهی حفاظت ملکی»، «نمایش شیعیگری»، «عقبی اندیشی»، «کنش فرادستی در رفع نیازهای دیگری»، «واگشتی به ساختار اجتماع» به دست آمده است. بخش غالب محتوای وقف نامه‌ها حاکی از برنامه‌ریزی و ساماندهی برای حفاظت از اموال و دارایی‌های وقفی در نسل و نزدیکان خود است. همچنین زنان واقف این عصر، هر چند نقش فرودستی خود را با مشارکت در فعالیت‌های عام المنفعه و خیر به کنشی فرادستانه تثبیت کردند؛ ولی برای زنان پس از خود، سهمی از کنشگری و حضور اجتماعی قائل نشدند از این رو، حق تولیت و سرپرستی و نظارت را با اولویت فرزند پسر در نسل خود حفظ کردند

رحیمی‌فر و عبدالقهار (۱۳۹۲) در مقاله «موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه به استناد وقف نامه‌ها» به این نتیجه رسیده است که وقف طبقه حاکم به‌طورکلی و شاهان به‌طور خاص، به یکی از بزرگ‌ترین مراجع مذهبی مسلمانان (آستان قدس رضوی) و حمایت آن‌ها از امور وقف به یکی از مهم‌ترین مراکز خانقاهی (آستانه شیخ صفی) ضمن مشارکت و همراهی با این مراکز، هیئت امور مذهبی و صوفی‌گری و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی آن توسط این طبقه را در قالب یکی از سنت‌های مهم اسلامی یعنی وقف به دنبال داشته است

منتظر القائم و شعبانی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفوی» به این نتیجه رسیده است که بر اساس منابع دست‌اول تاریخ و سفرنامه سیاحان، حضور گسترده زنان را در عرصه‌های فرهنگی نشان می‌دهد زنان که اغلب از خانواده‌های روحانیون، طبقات بالا و گاهی خانواده‌های متوسط هستند در زمینه‌های علمی، هنری (نقاشی، خطاطی و شعر) و مدرسه‌سازی در قالب وقف فعالیت عمده‌ای داشتند. این نتایج نشان‌دهنده نقش مؤثر زنان در فرهنگ‌سازی و تداوم آن بوده است

ریاحی (۱۳۸۹) در مقاله «موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی» نقش مؤثر زنان چه آنان که منسوب به دولخانه بودند و چه منتسب به علما و اندیشمندان یا عموم اصناف و جامعه را در شکل گیری، ایجاد و استمرار مراکز عام المنفعه به ویژه نهادهای علمی و آموزشی بررسی کرده است

عفت خوشنودی (۱۳۸۹)، نیز در کتابی با عنوان، «زنان واقف آثار تاریخی اصفهان»، به معرفی ابنیه‌هایی پرداخته که بانوان عصر صفوی وقف کرده‌اند. این اثر اگرچه در نوع خود اثری ارزشمند و قابل استناد است ولی از آنجا که به زبیده بیگم دختر شاه سلیمان صفوی اشاره نکرده با مقاله حاضر تفاوت دارد

احمدی (۱۳۸۸) در مقاله «نجات فرزند انگیزه‌ای برای وقف» به تحلیل وقفنامه مادر شاه سلیمان پرداخته که برای نجات جان فرزند بیمار خود و ادای نذر، تمام اموال خود را بر عتبات عالیات وقف نموده است. خسروی (۱۳۷۴) در مقاله «موقوفات زنان ایران» ضمن بررسی نوع دوستی، عاقبت اندیشی و استقلال مالی بانوان ایرانی، مطالعه تطبیقی از استقلال مالی زن مسلمان ایرانی با زنان اروپایی را تا اوایل قرن ۲۰ تبیین کرده است. شاطری و آرزومندان (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر (مطالعه موردی شهرستان‌های بیرجند، دریمان، سربیشه)» به این نتیجه رسیده است که در دوره قاجاریه بیشترین کاربری وقف اموال بر تعزیه سیدالشهدا بوده است البته روند رو به کاهش آن از دوره صفویه تا عصر حاضر مشهود بود

حیدریان (۱۳۸۸) در مقاله «زنان واقف در عصر صفوی» به این نتیجه رسیده است که یکی از راه‌های ظهور حیات اجتماعی زنان، مشارکت عمیق آن‌ها در امور خیریه و عالم المنفعه است، و حضور و فعالیت آن‌ها در این عرصه اجتماعی و مذهبی، با وجود محدودیت‌های شدید اجتماعی آن دوران، بسیار قابل توجه است. گاه این محدودیت‌ها چنان است که قانون نیز آن‌ها را از حضور در جامعه و بیرون آمدن از خانه و حضور در جامعه منع می‌کند. ولی با این وجود زنان این عصر، به امور عام المنفعه و خیریه، از جمله اوقاف علاقه خاصی نشان می‌دهند و هدف اکثریت آن‌ها از این اقدام، ارضای روحیه دینی و کمک به دیگران است، و گاه به دنبال کسب آرامش درونی در دنیا و آخرت یا حاکمیت وجدان اخلاقی به این عمل دست می‌زدند، ولی نباید منکر شد که گاه اتفاق می‌افتاد که بعضی زنان با اهداف سیاسی یا اقتصادی دیگری مثل ترس از پرداخت



مالیات یا حفظ دارایی‌هایشان در میان خانواده، به این عمل اقدام می‌کردند. همه این مقالات و تألیفات بیشتر به صورت کلی به نقش زنان در گسترش فرهنگ و تمدن و همچنین موقوفات ایشان در دوره صفوی اشاره دارد ولی تاکنون مقاله‌ای به صورت خاص به تحلیل موقوفات زبیده بیگم اشاره نکرده است

## ۲. موقوفات زنان در دوران صفوی

در جهان بینی اسلامی، سعادت انسان زمانی کامل می‌شود که در هر دو جهان -یعنی زندگی دنیوی و آخرت ابدی- سعادت حاصل شود. بر همین اساس جهان بینی اسلامی چشم انداز و ساختار انگیزشی بزرگ‌تری برای اعمال صالح در چارچوب زندگی دوجوانی فراهم می‌کند. این پتانسیل منجر به تمایل نسبتاً بالاتر برای اقدامات اجتماعی، مشارکت مثبت در اهداف اجتماعی، اهدای خیریه بیشتر و نمایش رفتار فداکارانه‌تر در روابط اجتماعی و در بازار است. از این رو، در چهارچوب اسلامی، انگیزه‌های رفتار همدلانه اجتماعی از یک جهان بینی متمایز و مفهوم جامع مسئولیت اجتماعی و رفتار اخلاقی ناشی می‌شود. این‌ها در آگاهی ایمان ریشه دارند که در نهایت بر ترجیحات و انتخاب‌های اقتصادی و غیراقتصادی تأثیر می‌گذارد و تجلی این‌گونه رفتار را در دوران صفوی در موقوفات گسترده می‌توان جستجو کرد

این بدین معنی است که در ادبیات نظری اقتصاد اسلامی (Sadeq,1987) مفهوم اسلامی رفاه انسان جامع‌تر از رفاه اقتصادی به تنهایی است. در همین راستا (Chapra,1999) معتقد است که توسعه اقتصادی بخشی از رفاه انسان است. توسعه اقتصادی به تنهایی برای تحقق رفاه همه جانبه انسان کافی نیست. پس از افزایش نابرابری درآمدی که به دنبال رشد اقتصادی در دوران پس از جنگ جهانی دوم و چالش‌های اکولوژیکی و زیست‌محیطی متعاقب آن در نتیجه مدل رشد سرمایه‌داری پدیدار شد، مفهوم غربی توسعه نیز جای خود را به ابعاد گسترده‌تری از انسان داده است. توسعه و شناخت نقش نهادها (Mirak-hor, and Askari,2010)

دوران صفوی از دورانهایی است که در آن وقف گسترش بسیار یافت، به ویژه که خاندان صفوی و به تبع آن، دولتمردان و بزرگان دین و دولت خود از پیشگامان این راه بودند. در این دوره مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها و کاروانسراهای بسیاری ساخته و برای هر یک موقوفات بسیاری قرار داده شد. همچنین افراد بسیاری املاک و مستغلات خود را برای

مراسم عزاداری و احیای شبهای متبرک و نیز بر مزارات شریفه و اماکن مقدسه و حتی بر مسافران عتبات وقف نمودند. در طی حکومت این خاندان، به دلایل چندی از جمله سیاست مذهبی پادشاهان این سلسله و ایجاد حکومتی دین‌مدار، سنت وقف گسترش بسیاری یافت. این گسترش به حدی بود که توانست بر جنبه‌های مختلف جامعه تأثیراتی عمیق بگذارد به نحوی که می‌توان گفت ساختار نهاد وقف در دوره صفوی یکی از مهمترین دوره‌های شکوفایی سنت وقف در تاریخ ایران، عصر صفویه است. به طوری که بسیاری از اقشار اجتماع از پادشاهان گرفته تا افراد عادی به این امر خیرخواهانه اقدام می‌نمودند. (صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۰۵-۳۱۸). به تعبیری دیگر، به قدرت رسیدن صفویان، برتری طبقه جدید شیعی را در برابر طبقه سنی در پی داشت و به تدریج به نقش‌های اجتماعی زنان این عصر اثر گذاشت. این تأثیرات گاه باعث بزرگ شدن فعالیت‌های مذهبی زنان می‌شد. زنان در خانوار شهری، به عنوان عضو مهم انجام وظیفه می‌کردند هرچند مجبور بودند وظایفشان را در محدوده چهاردیواری خانه و اندرونی انجام دهند و اجازه ارتباط و تماس با بیرون از خانه را نداشتند؛ به جز در موارد استثنایی که اجازه داشتند از خانه خارج شوند (حیدریان، ۱۳۸۸: ۵۴). با این حال، نقش زنان در امور خیریه و فعالیت‌های اجتماعی در این دوره مشخص بوده است و با وجود محدودیت‌ها، رنج‌ها و مشکلات اجتماعی که در پیش رویشان بود، در امور خیریه و عام‌المنفعه شرکت فعالی داشتند. به گفته فیگوئروا، سفیر اسپانیایی دربار شاه عباس اول، زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای نیک بیشتر از مردان جای گرفتند. بسیاری از کاروانسراها و بناهای عمومی از خیریه زنان که معمولاً فقیرتر از مردان بودند، ساخته شد. این موارد را می‌توان در اسناد وقف زنان طبقات بالای اجتماعی مشاهده کرد (Heidari, 2022). زنان این طبقه نقش مهمی در سوق دادن املاک و دارایی‌های خود به سوی فعالیت‌های خیریه شهری، از طریق اوقاف بر عهده داشتند (زرین بافت شهر، ۱۳۸۴: ۹۲)؛ بدین معنی که تلاش عمده زنان در طبقه بالای جامعه، مشارکت در امور اجتماعی از طریق موقوفات بود که در قالب عمران و آبادانی قابل بررسی است

از توجه این زنان به امور خیریه و آبادانی، اکثراً در دربار برای ساختن ابنیه عمومی و عام‌المنفعه سود می‌جستند. مطابق تحلیل‌ها و مطالعات، این موقوفات برخی در جهت تداوم آموزش و فرهنگ و کمک به تقویت علم و دانش صورت می‌گرفت، به طوری که تعداد بسیاری از نهادهای آموزشی عصر صفوی به همت زنان مرفه این عصر دایر شده



بود (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۶۵). نظر به اسناد باقی مانده از این دوره، از ۵۹ موقوفه اداره اوقاف اصفهان، ۱۷ موقوفه مختص زنان است. یعنی حدود یک سوم موقوفات مربوط به زنان صفوی است و جالبترین قسمت آن مربوط به مدارس است که در این دوره ساخت بناهای وقفی توسعه یافته است (Heidari, 2022). از این ۱۷ مورد موقوفات زنان، ۶ مورد آن در زمان حکومت شاه سلیمان صفوی اتفاق افتاده است. این فراوانی که بیش از ۳۰ درصد از موقوفات زنان را شامل می شود در نوع خود حائز اهمیت است. در واقع دروان سی ساله حکومت شاه سلیمان صفوی از نظر موقوفات زنان، سرآمد دوران صفوی به شمار می رود. دست یابی به چرایی گسترش موقوفات زنان در این دوره و همچنین مصارف آن از مواردی است که بدون در نظر گرفتن شرایط سیاسی اجتماعی ایران عصر شاه سلیمان امکان پذیر نخواهد بود.

### ۳. دوران حکومت شاه سلیمان صفوی

حکومت صفوی اگر چه در آغاز بر اساس مذهب استوار شده بود، ولی اندک اندک، هم چنان که در شرق مرسوم بود، به صورت سلطنت استبدادی در آمد. اصولاً اختیارات در دست شاه بود ولی اگر او طبعی ضعیف داشت یا به امور کشور علاقه ای نشان نمی داد، کاملاً به دلخواه وزرا و مشاوران و دست پروردگان خود رفتار می کرد. اما پادشاه خواه مقتدر و خواه ضعیف النفس بود. در سلطنت مطلقه ای که در حکومت صفوی در ایران شکل گرفت، اخلاق پادشاه طبعاً کمال اهمیت را داشت. اگر مثل شاه عباس کبیر مقتدر و با اراده بود، کشور در مواقع بحرانی با خطری روبه رو نمی شد، ولی اگر ضعیف النفس و بی کفایت بود مسلماً نتیجه معکوس می گردید به گونه ای که در این سیستم حکومتی هرچه پادشاه کم اراده تر باشه، کشمکش میان دیگر درباریان برای تأمین منافع خود بیشتر است تا جایی که گاهی اختیارات وزیر نیز توسط متصدیان جزءتر محدود می شد. (لانکهارت، ۱۳۸۳: ۱۰) پس از مرگ شاه عباس دوم، امرای شاه پس از فوت او در دامغان جلسه کردند و چون شاه خود در تعیین جانشین خویش اظهار نظری نکرده بود تصمیم گرفتند که حمزه میرزای هشت ساله را به سلطنت بردارند و برای اینکه خیال ایشان پیشرفت کند شهرت دادند که صفی میرزا را شاه کور کرده و به همین جهت نمی تواند پادشاهی قیام نماید. خواجه باشی حرم شاه یعنی آغا مبارک با این طرح مخالفت کرد و گفت که صفی میرزا صحیح و سالم است و ایشان را تهدید نمود که اگر از خیال خود دست برندارند او به

قتل حمزه میرزا اقدام خواهد نمود در نتیجه این پیش آمد امرا چاره‌ای جز آن ندیدند که صفی میرزای بیست ساله را به سلطنت بردارند و او را شاه صفی دوم و بعدها شاه سلیمان خواندند. صفی میرزا که عمر خود را در حرمسرا با زنان و خواجه‌سرایان گذرانده و بدون تربیت و تحصیل باخلاق زنانه بار آمده بود یکی از بدترین سلاطین صفوی است چه هم بسیار ضعیف النفس و عیاش بود و هم مصاحبت با زنان و خواجه‌سرایان و استشاره ایشان را بر اداره امور ملکی و شنیدن حرف رجال کارآگاه ترجیح می‌نهاد (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۶۹۹)

به نوشته راجرسیوری «با به سلطنت رسیدن صفی میرزا با نام شاه سلیمان، سلسله صفویه و کشور وارد دوره‌ای از زوال سریع شد. رفتار ظاهری پادشاه جدید دلنشین بود... لکن این ظاهر خندان طبیعتی ضعیف و متلون را پنهان می‌کرد. در زمان سلطنت وی مقام شاه به عنوان رئیس کل ساختار اداری کشور و به عنوان فرمانروای بی چون و چرای و مطلق با اختیارات عالی در امور دنیوی و معنوی، به طرز بسیار موزیانه‌تر و ویرانگرانه‌تر از غصب آشکار و بی پرده حقوق سلطنت در زمان شاه پهماسب، تضعیف شد». (سیوری، ۱۳۸۴: ۲۳۱). هر چند در این دوره نقش شاه به عنوان شخص اول حکومت به شدت کم رنگ شد و مقام صدر و وزیر رو به فزونی گرفت ولی از خوشبختی او وزارتش نصیب شیخ علیخان زنگنه شد که در عهد پدرش حکومت کرمانشاه را داشت و در آخر کار امیر آخور سلطنتی بود. شاه سلیمان که از بی‌اعتنائی‌های وزیر اعظم پدر خویش شکایت داشت او را در سال ۱۰۷۹ به‌دست شیخ علیخان کشت و قاتل را بجای مقتول بوزارت اعظم برداشت و شیخ علیخان تا سال ۱۱۰۱ به این سمیت برقرار بود و او باکفایت و مردمداری و عدالت و بخشندگی مملکت را اداره می‌کرد و شاه که غالباً گرفتار دردپا و نفرس بود و در حرمسرا بسر می‌برد بعلت بیداری و کاردانی شیخ علیخان از بابت سلطنت نگرانی زیادی نداشت. (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۷۰۰) پس از وزیر که در این دوران قدرت زیادی یافت، زنان حرم نیز توانستند در ارکان حکومت قدرت‌نمایی کنند چرا که پشاهی همچون شاه سلیمان که در حرمسرا پرورش یافته بود نسبت به امور خارج از حرم در جهل مامل به سر می‌برد و وزرا و حکمرانان مجبور بودند خواسته‌های زنان حرم را نیز در حکومت در نظر داشته‌باشند و الا به خشم ایشان دچار می‌شدند (سیوری، ۱۳۸۴: ۲۳۸). از بزرگترین خوشبختی‌های شاه سلیمان اینکه در عصر او همسایگان خارجی ایران هیچکدام قدرت و قوتی که ایشان را بقصد تعرض بایران بیندازد نداشتند و همه یا گرفتار ضعف بودند و یا



سرگرم باموری دیگر بهمین جهت در تمام مدّت بالنّسبه طویل سلطنت شاه سلیمان واقعه خارجی مهمی برای ایران روی نداد و دوره پادشاهی او بالنّسبه بفرأغت گذشت. (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۷۰۰)

#### ۴. واقفان زن در دوران شاه سلیمان صفوی

همانطور که بیان شد در دوران شاه سلیمان صفوی، به دلیل این که زنان حرم آزادی بیشتری پیدا کرده بودند و از طرفی می توانستند در امور مملکت نیز صاحب رای باشند، فعالیت های سیاسی اجتماعی آنها بیشتر شد به گونه ای که نه تنها در عزل و نصب مناصب و افراد دخالت داشتند بلکه سعی داشتند با تکیه بر فعالیت های دینی اجتماعی، خود را از حصار حرم خارج نمایند

۱-۴. اولین وقفنامه زنان در دوران شاه سلیمان کمه در اسناد این دوره بیان شده، وقفنامه ای مربوط به مادر شاه سلیمان صفوی. متأسفانه در این وقف نامه صریحا به اسم واقف اشاره نشده ولی از آنجا که بیان شده «والده شاه سلیمان الحسینی الموسوی»، واقفه مادر شاه سلیمان صفوی است که در سال ۱۰۷۹هـ.ق در پی نذری برای شفای فرزندش (شاه سلیمان) از بیماری مهلکی که بدان دچار شده بود، به گفته خودش «چند قطعه لعل و زمرد و سایر اشیاء نامعلومه که در تحت تصرف و تملک شرعی» داشت را فروخته و از بهای آن املاکی خریداری کرده و بر «عتبات عالیات» وقف نمود. تولیت این موقوفه در زمان حیات واقف با ایشان و پس از آن بر عهده عالم زمان حاجی محمد زمانا و بعد از آن فرزندان ذکور ایشان واگذار شده است. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر هفتم)

۲-۴. وقفنامه دیگر مربوط به سال ۱۰۸۳هـ.ق است که «ده ده خاتون، املاک خود را وقف کرده و تولیت آن را دختر خود به نام «رضیه بانو خانم»، و در صورت انقراض اولاد او، چه دختر و چه پسر، قرار داده است (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر دوم). ظاهرا «ده ده خاتون» اشتباه ثبت شده و اصل آن «ده ده خاتون» با فتح «دال» است. کلمه «ده ده» به معنای کنیزی است که فرزندان را بزرگ میکند. زنی که تربیت طفلی کند. مقابل الله یعنی مردی که بدینکار مأمور باشد. (دهخدا: ذیل ده ده) در متن وقف نامه اشاره شده که این بانو، ده ده «نواب کامیاب جنت بارگاه» است از القابی که در وقف نامه برای شخص واقفه و همچنین برای دخترش به کار رفته است، به علاوه شاهدان برجسته ای که وقف نامه او را گواهی کرده اند، می توان حدس زد که این خانم علاوه بر آنکه سمت تربیت شاه ماضی

را بر عهده داشته، با یکی از شاهزادگان یا دولت مردان برجسته ازدواج کرده بوده است. (احمدی، ۱۳۷۶: ۲۴)

نکته قابل توجه این وقفنامه که با سایر وقفنامه‌ها تا حدی متفاوت است این است که در انتهای وقفنامه تعدادی از بانوان (با ذکر اسامی) و همچنین تعدادی از آقایان با عنوان خواجه، بر این وقفنامه شهادت داده‌اند. اسامی این خانم‌ها زیر عنوان مسلمات به ترتیب عبارت است از: بلقیس خانم بنت عبدالله، شاه‌زینب خانم بنت ابراهیم آقا، شاه‌خانم بنت رمضان علی، نشاط انگیز بنت عبدالله، فاطمه خانم بنت کلبعلی و خانم آغا بنت آقاملک و خواجه‌ها عبارتند از: خواجه مطلوب منجما، حضرت میرزا سراج، خواجه مسیح ولد عبدالله، خواجه یونس ولد عبدالله

۳-۴. وقف نامه دیگر متعلق به بانویی به نام «مرواریدخانم» است که در سال ۱۰۹۰هـ.ق. املاک و مستغلاتی را بر اماکن متبرکه وقف عام نمود، تا در آنجا صرف روشنایی و بوی خوش شود. تولیت این موقوفه به عهده عالم زمانه گذاشته شده است. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر پنجم)

۴-۴. موقوفه دیگر مربوط به دختر شاه سلیمان صفوی به نام «زبیده بیگم» می‌باشد. واقفه قراء، مزارع و باغات و غیره اصفهان و قم را در تاریخ ۱۰۹۲ وقف کرده و تولیت را پس از خود بر فرزندان ذکورش قرار داده است. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر هفتم)

۵-۴. وقف نامه دیگر از خانمی به نام «بدر جهان خانم» دختر میرزا محمد مسعود، وزیر سابق مازندران می‌باشد. این وقف نامه در سال ۱۱۰۱هـ.ق. تنظیم شده و مورد آن هم خاص و هم عام است. واقفه درآمد و حاصل موقوفه خود را پس از کسر مخارج تعمیر و سایر مایحتاج موقوفه، قسمتی را بر فرزندان خود «میرزا محمد» و «شرف جهان خانم» و پس از آنها بر تمامی فرزندان ذکور و اناث آنان، بجز کسانی که به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند، و قسمتی دیگر را بر مدرسه جده کوچک، وقف کرده است. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر اول)

۶-۴. زینب بیگم، دختر امیر محمد اردستانی مشهور به شیخ الاسلام، واقفه دیگری است که در سال ۱۱۰۳هـ.ق. املاک و مستغلاتی را وقف عام نموده که درآمد آنها پس از کسر مایحتاج و مخارج موقوفه و نیز کسر حق التولیه به «ارباب استحقاق از قرار نفری مبلغ دو تومان» تقسیم شود. واقفه تولیت را به همسر خود میر محمد مهدی طباطبایی (حکیم الملک) واگذار کرده است. (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر هشتم)



## ۵. تحلیل محتوای موقوفات زنان در دوران شاه سلیمان صفوی

شاردن، سیاح فرانسوی در مورد موقعیت و جایگاه زنان در ایران می‌نویسد: « محدودیت زندگی زنان ایران از تنگناهای زندگی زنان همه کشورهای دیگر بیشتر است، و به جرأت میتوان باور کرد که حرمسرای امپراتور ترك و مغول کبیر نسبت به حرمسرای پادشاه ایران به مثابه جایگاه عمومی است، و من بر این اعتقادم که علت اصلی این محدودیتها یکی تجملات زیاد و خیره کننده‌ایست که حاصل تأثیرات اقلیمی منطقه ایران میباشد، و دیگر تعالیم و قوانین مذهبی است که مرد متواند از هر زن به شرط این که از آن دیگران نباشد و تحت شرایطی دیگر بهره‌مند گردد.» (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴: ۱۳۱۰)

باید توجه داشت که هر چند زنان واقف، نسبت به مسائل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی عصر خود آگاه بودند و با وجود آنکه همه زنان از این جایگاه برخوردار نبودند، اما با وقف اموال و دارایی خود نسبت به اهمیت نقش و جایگاه زنان عکس‌العمل نشان می‌دادند. آنچه نیازمند دقت است اینکه، تنیده شدن قدرت، سیاست و دین، در میان زنان واقف نیز برگرفته از جریان‌های حاکم بر روح جامعه است از این رو، آنان نیز در این فرایند، در وقفنامه‌های خود به نوعی تلاش داشتند تا با واگذاری حق تولیت در مواردی برای مثلاً قرار دادن سهم تولیت برای اعلم و اصل سادات مقیم دارالسلطنه اصفهان در صورت مفقود بودن خاندان واقفه، اعطای حق تولیت به علما و فضلالی اثنی عشری در صورت انقراض متولیان تعیین شده، اعطای حق تولیت به علما و فضلالی اثنی عشری با قید قرعه در صورت تعدد، از شرع به عنوان ابزاری برای حفظ اموال و دارایی‌های خود بهره ببرند. (طباطبایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۸)

مهم‌ترین اتفاقی که باعث شد زنان در دوران شاه سلیمان صفوی بیشتر به امر وقف توجه نمایند، آزادی عمل و اختیار ایشان در این دوره است. در این دوره شاه سلیمان چون از یک طرف تربیت یافته زنان حرمسرا بود و تا قبل از پادشاهی در بین ایشان بود و از طرفی بعد از پادشاهی نیز نتوانست این علاقه خود را سرکوب کند و همچنان تمایل به بودن در حرمسرا داشت، آزادی عمل زنان و تأثیرگذاری ایشان بر امور مملکت و مسائل سیاسی اجتماعی بیشتر شد به همین دلیل پیش از آن که اموال ایشان توسط حکومت و وزرا تصاحب شود اقدام به وقف این املاک می‌کردند تا از یک طرف دعوی مذهبی بودن و فعالیت‌های خیرخواهانه داشته باشند و در امور سیاسی اجتماعی دخالت کنند و از طرفی اموال خویش را از تصرف مصون دارند



ردیف	موقوفه	واقفه	تاریخ وقف	تولیت	مصارف
۱	موقوفه عتبات عالیات: مزارع دارامارای علیا و سفلا و غیره	والده شاه سلیمان الحسینی الموسوی (بهادر خان)	۱۰۷۹ ق.ه	خود و پس از خود بندگان صالح، نظارتت حاجی محمد زمانا	یک عشر حق تولیه، نیم عشر حق النظاره، هشت عشر و نیم صرف روشنایی روضات مقدسه و غیره
۲	خان بزرگ و دکاکین نیماورد	ده ده خاتون	۱۰۸۳ ق.ه	فرزندان	یک هفتم به طلبه‌های علوم دینی و بقیه به صلاح دید تولیت
۳	خانه‌های قرب محله سنجی	مرورید خانم بنت آقا حسین	۱۰۹۰ ق.ه	عالم عصر	یک عشر حق تولیت، بقیه صرف خوش بویی اماکن مقدسه
۴	قراء، مزارع و باغات و غیره اصفهان و قم	زبیده بیگم بنت شاه سلیمان صفوی (بهادر خان)	۱۰۹۲ ق.ه	تولیت خود و فرزندانش ذکور	حفظ عین موقوفات، یک ثلث صرف برگزاری عزاداری در روز عاشورا و زیارت نجف و کربلا از طرف واقف، دو ثلث وقف اولاد
۵	دکاکین و خانات منار کله اصفهان و دکاکین و تیمچه پشت مدرسه جده کوچک	بدر جهان خانم بنت محمد مسعود (میرزا) وزیر سابق مازندران	۱۱۰۱ ق.ه	خود و فرزندانش ذکور	حفظ عین موقوفه، صلاح دید تولیت، قرائت قرآن بر سر قبر واقفه، فقرا و مسکینان، روشنایی مسجد
۶	آب و املاک بلده اردستان	زینب بیگم بنت امیر محمد اردستانی (شیخ الاسلام)	۱۱۰۳ ق.ه	تولیت همسر خود حکیم الملک	یک عشر حق التولیه، مستحقین

جدول متولیان و مصارف موقوفات زنان در دوران شاه سلیمان صفوی



## ۱-۵. حفظ اموال:

تحلیل محتوای موقوفات زنان در این دوره بیانگر این است که تولیت این موقوفات اکثراً بر عهده واقفه و پس از آن بر عهده اولاد ذکور است به این معنی که واقفه سعی داشته با وقف اموال خویش و تولیت دادن آن بر خود و فرزندان مالکیت ابدی اموال خود را تضمین کند. این گونه وقف کردن و تولیت قرار دادن ناشی از ترس از حکومت و تصاحب اموال و املاک توسط حکومت یا صاحبان قدرت است. در واقع در جامعه مذهبی، دادن صبغه مذهبی به اموال در جهت صیانت و حفظ آن درایتی است که بسیاری از درباریان و امرا داشته‌اند و همین امر در بین زنان نیز قابل مشاهده است

تحلیل موارد مصرف موقوفات زنان این دوره، بیانگر این است که زنان واقف درصدد حفظ اموال و دارایی خود از طریق بقای آنان در نسل خود هستند از همین روست که حق تولیت را با عبارات متعدد و متنوع برای اولاد خود یا نزدیکان خود از خاندان حفظ می‌کنند. بدین رو مقوله «آینده در نسل» از تلفیق کدهای این واحدهای معنا دار به دست می‌آید. همچنین با قرار دادن قیدهایی در وقفنامه آن را از تعدی و دسترسی و نظارت دولتی یا شرعی نیز خارج می‌کنند تا بتوانند حفظ ملک خود را به سامان برسانند. (طباطبایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۹)

## ۲-۵. توجه به مذهب شیعه:

شاهان صفوی در رأس کسانی قرار داشتند که اقدام به وقف اموال خود می‌کردند. به طوری که بسیاری از املاک را وقف مقاصد خیریه به خصوص وقف بقاع متبرکه شیعه و از همه بالاتر آستان امام رضا علیه السلام در مشهد و خواهرش حضرت فاطمه معصومه (س) در قم کردند (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۸۰) در اثر همین رویکرد شاهان صفوی، امرا و بزرگان و در کنار آنان زنان درباری و صاحب منصب نیز به تقلید از خاندان سلطنتی به وقف اموالی جهت امور مذهبی و شیعی پرداختند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۷۳-۷۷)

مورد دیگر در مورد مصارف موقوفات است؛ چنانچه از فحوای این شش وقفنامه بر می‌آید، نیت اکثر این موقوفات مربوط به عتبات عالیات و مراسمات مذهبی ائمه است که اختیار آن نیز بر عهده تولیت قرار داده شده است به گونه‌ای که حتی در موقوفه دده خاتون، یک هفتم از درآمد موقوفات را برای طلا علوم دینی قرار داده و هزینه کرد بقیه را بر عهده متولی قرار داده است.

تفاوت عمده موقوفات زنان در دوران شاه سلیمان با دوره‌های پیشین، توجه کلی به بقاع متبرکه ائمه و بخصوص عتبات عالیات بود و در برخی موارد اختصاص این امر به خود بود چنانچه در موقوفه زبیده بیگم، دختر شاه سلیمان صفوی شاهدیم که واقفه بیان کرده که از هزینه موقوفه علاوه بر عزاداری دهه عاشورا « هر ساله مبلغ پنج تومان است ، و شخص شیعه صالح متدینی را در نجف اشرف تعیین نمایند که هر شبانه روز به نیت واقفه مکره زیارت حضرت سیدالوصیین و أب الأئمة الطاهیرین امیر المؤمنین - علیه و علیهم الصلاة والسلام - را از قُرب ، با نماز زیارت به عمل آورد . و مقرری او هر ساله ثلث حاصل موقوفات است. و هکذا هر ساله مبلغ پنج تومان است ، و شخص شیعه صالح متدینی را در کربلای معلی تعیین نمایند که هر شبانه روز به نیت واقفه محترمه زیارت حضرت سیدالشهداء و امام الاتقیاء ابا عبد الله الحسین - علیه التحية و الثناء - با زیارت حضرت عباس و جمیع شهداء رضوان الله علیهم اجمعین از قرب با نماز زیارت به عمل آورد و مقرری او از يك ثلث حاصل موقوفات است». (ر.ک: اشکوری، ۱۳۸۸: دفتر هفتم)



## نتیجه‌گیری:

حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی اجتماعی دینی در دوران صفویه ارتباط مستقیمی با اقتدار پادشاه و فضای سیاسی اجتماعی آن دوران دارد. چنانچه در دورانی که شاهان صفوی اقتدار زیادی دارند، حضور زنان در عرصه سیاست تقریباً صفر است و در فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و مذهبی، با اجازه پادشاه و در امتداد فعالیت‌های پادشاهان است. اگر تجلی حضور مذهبی فرهنگی زنان را به تأسی از پادشاهان و امرا در امر وقف بدانیم، در دوران شاهان مقتدر همچون شاه عباس اول موقوفه‌ای از زنان دربار سراغ نداریم و در دوران شاه عباس دوم نیز زنانی همچون جد شاه عباس که در بالاترین جایگاه‌ها قرار دارند اقدام به ایجاد موقوفه و آن‌هم در جهت اقدامات شاه عباس و اعتلای حکومت صفوی انجام داده‌اند.

با به قدرت رسیدن شاه سلیمان صفوی و همزمان با تضعیف نهاد پادشاهی در این حکومت، شاهد رشد موقوفات زنان درباری در این دوره هستیم که بیان‌گر تلاش برای دستیابی به جایگاه‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی ایشان هستیم که کمتر در اسناد این دوره به این امر پرداخته شده است. ولی آنچه قابل بیان است گسترش موقوفات زنان در این دوره نتیجه تضعیف مقام پادشاهی و قدرت یابی زنان حرمسرا از یک طرف و وزرا و دیگر مقامات درباری از طرف دیگر است.

زنان در این دوره با وقف اموال خود از یک طرف در صدد ایجاد جایگاهی برای خود در بین جامعه و درباریان هستند و از طرفی با رنگ و بوی مذهبی دادن به موقوفات در صدد موجه جلوه دادن عمل خود برای جامعه شیعه برآمدند ولی آنچه از فحوای این وقف‌نامه‌ها به دست می‌آید، قرار دادن خود و فرزندان خود برای تولیت این موقوفات و اختیاراتی که به متولی داده‌اند بیشتر حفظ اموال و دارایی خود و باقی نگه داشتن آن برای فرزندان را مد نظر داشته‌اند تا آن که همچون موقوفات عهد اقتدار صفوی جهت ترویج فضای آموزشی و فرهنگی دینی را داشته باشد.

## کتابنامه

- احمدی، زهت (۱۳۷۶). «وقف نامه‌های بانوان در دوره صفوی»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۳ و ۴، سال پنجم.
- ارجح، اکرم (۱۳۹۱). «*موقوفات زنان در دوره صفوی و عثمانی*»، تاریخ روابط خارجی، شماره ۵۲ و ۵۳، ص ۱۲۰-۱.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۲). *سیاست و اقتصاد در عصر صفوی*، تهران: صفی شاه.
- پیرنیا، حسن؛ اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۰). *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه*، تهران: خیام.
- حسینی اشکوری، سید صادق (۱۳۷۸). *اسناد موقوفات اصفهان زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان*، چاپ اول، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- حیدریان، اکرم (۱۳۸۸). «زنان واقف در عصر صفوی»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۶۶، ص ۵۹-۴۸.
- حیدریان، زهرا، (۱۳۸۸). «*زنان واقف در عصر صفوی*»، *وقف میراث جاویدان*، سال ۱۷، شماره ۶۶، ص ۵۹-۴۸.
- خسروی، محمد علی (۱۳۷۴). «موقوفات زنان در ایران»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، سال ۳، شماره ۱۰، ص ۷-۴.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). *آثار ملی اصفهان*، تهران: انجمن آثار ملی.
- ریاحی، محمد حسین (۱۳۸۹). «موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۷۱، ص ۱۴۳-۱۶۸.
- زرین بافت شهر، فریبا (۱۳۸۴). «*فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارتگاه شهر اردبیل*»، ترجمه محمد مروار، نامه تاریخ پژوهان، سال اول، شماره ۳.
- سلیمی فر، مصطفی، (۱۳۷۰). *نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- سیور، راجر (۱۳۸۴). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شاردن (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۱). *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران صفوی*، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- طباطبایی، سید مصطفی؛ چلونگر، محمد علی؛ عباسی، علی اکبر؛ آبیاری، زهرا (۱۴۰۲). «تحلیل محتوای کیفی اغراض زنان واقف در ایران (مورد مطالعه شهر اصفهان در دوره صفوی)»، *گنجینه اسناد*، شماره ۱۳، ص ۲۹-۵۳.
- فیگوئرا، دن گارسیا و سیلوا، (۱۳۳). *سفرنامه دن گارسیا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.



• لاکهارت، لارنس (۱۳۸۳). *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

• منتظرالقائم، اصغر؛ شعبانی، زینب (۱۳۹۸) «بررسی نقش فرهنگی زنان در عصر صفوی»، *نشریه کتیبه میراث شیعه*، شماره ۲، ص ۵۳-۸۶.

- Harbaugh, W.T. (1998), "What do donations buy? A model of philanthropy based on prestige and warm glow", *Journal of Public Economics*, Vol. 67 No. 2, pp. 269-284.
- Mirakhor, A. and Askari, H. (2010), *Islam and the Path to Human and Economic Development*, Palgrave Macmillan, New York, NY.
- Sadeq, A. (1987), "Economic development in Islam", *Journal of Islamic Economics*, Vol. 1 No. 1, pp. 35-45.
- Chapra, M.U. (1999), "Islam and economic development: a discussion within the framework of Ibn Khaldun's philosophy of history", *Second Harvard University Forum on Islamic Finance: Islamic Finance into the 21st Century: Proceedings of a Conference*, Center for Middle Eastern Studies, Harvard University, Cambridge, MA, pp. 23-30.